

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زنده یاد داد نورانی
۲۰ جولای ۲۰۱۱

آخر شب

انگشت آفتاب سحر خیز باوران
در ارتفاع ساکت شب آرمیده بود
پشت فروغ شیشه خونرنگ زندگی
یک شیشه از تلنگر فردا خمیده بود

چشم فرو به ساحت دلگیر لحظه ها
از موج تا به موج نفسگیر می خزید
با تیرتیز خود ز کمانخانه نگاه
پشت پلشت از در هیهات می گزید

گفتم به آسمان که مسکوت تا به کی
این گونه بر نظاره دوران نشسته ای
اشک است در پیاله موج لحظه ها
و آن را چرا به درب نگاهم شکسته ای

خیل عبوس لشکر ناسور روزگار
بر پهنه نوید سحر کاشت کرد درد
گویی غروب پشت کمرگاه کمین نمود
بر سینه سپید او زد لشکری شگرد

دستان باد شاخ بلند شکوفه را
در باغ روح پر عیشم خواست بشکند
گفتم بدار دست و خوشا بر هراس من
کان را مباد بر زبر خاک بکند

آنگاه که شب به دامن خودنقش صبح بست
دستان من چو چفته برگیسوان تو
گویم ترا عروس دلم ای سحرگهان
شعرم نگین بوسه ای بر پای جان تو

بر نطع شب تبیره زنان دست بامداد
بر تیرگی شکوه سپیدی همی نشاند
سوسو زنان شکوفه پیروز صبح را
بر بیشه بی صدای شب تیره می نشاند

قوئی سپید بر شط شبگیر پرزنان
تا دیدگاه چشم شفق بال می کشاند
با پای مرمرینی بران کند موج ها
بر کوره راه آخر شب نور می فشاند

بر صفحه حنائی شعرم نوشته ام
من از صدای مرغ سحر شاد می شوم
از گرمی و طلوع خورشید صبحگاه
ویرانه ام، ببینی که آباد می شوم
